

روزنه

برادر قاضی منصوری؛ برادرم ترور شده است

سرنوشت نامعلوم قاضی متواری

● شرق: برادر قاضی منصوری مدعی ترور این قاضی متواری شده؛ هرچند اصل مرگ او همچنان با تردید مواجهه است و مستندی که مرگ او را اثبات کند تاکنون منتشر نشده است. ماجرای مرگ مشکوک قاضی متهم به دریافت رشوه‌های میلیونی برای اعمال نفوذ در پرونده‌های مهم اقتصادی هر روز ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. درحالی‌که بسیاری معتقدند ممکن است داستان خودکشی، سناریویی برای فرار از مجازات قاضی منصوری باشد و دلیل تعلل رومانی در انجام تحقیقات و ارسال مدارک به ایران هم سرنوشتی بر ماجراست، خانواده او مدعی ترور این قاضی هستند و می‌گویند او بارها از نداشتن امنیت جانی سخن گفته بوده است. برادر قاضی منصوری گفته است: او در تماس تلفنی با خانواده مداوم اعلام می‌کرد امنیت جانی ندارد، حتی او مراتب نگرانی از نداشتن امنیت جانی را از طریق این‌جانب به دادگاه رسیدگی‌کننده پرونده منتقل کرد. پیش از این «امیرحسین نجف‌پورثانی»، درباره پرونده قاضی منصوری گفته بود: من اعتقاد دارم او کسی نبود که خودکشی کند. با شناختی که در مدت کم از قاضی منصوری داشتم و با توجه به اعتقاد راسخ او برای بازگشت به ایران، فرضیه خودکشی از همان اول باطل بود. هنوز هم درخصوص خودکشی منصوری تردید وجود دارد. نجف‌پورثانی با اشاره به کوتاهی کشور رومانی گفت: نمی‌دانم چرا رومانی این‌قدر موضوع را کش می‌دهد. وقتی حادثه‌ای که حداقل مشکوک به قتل یا خودکشی است، در یک مکان عمومی رخ می‌دهد، پلیس آگاهی صحنه جرم را حفظ می‌کند. نوارهایی می‌کشند که کسی حق ورود به آن محدوده را ندارد، چون ممکن است نیاز به نمونه‌برداری باشد. در چنین حادثه‌هایی انواع و اقسام عکس‌ها در زاویه‌های مختلف از جسد گرفته می‌شود. اینها اگر وجود دارد، دولت رومانی باید ارائه کند. او درباره اینکه آیا خانواده منصوری درخواستی از شما برای پیگیری این پرونده داشته‌اند، گفت: خانواده او پیگیر این موضوع هستند و اگر به بنده در این زمینه وکالتی بدهند، قطعاً موضوع را پیگیری می‌کنم. ولی خب تا الان وکالتی درباره استرداد او یا بحث خودکشی یا قتل یا هر فرضیه دیگری در این زمینه به من داده نشده که بخواهم در این قضیه ورود کنم. خودشان از طریق مقامات پیگیر این موضوع هستند.

حال برادر قاضی منصوری، با انتقاد به صحبت‌های وکیل برادرش گفته است: اولاً اینکه این وکیل هیچ شناختی از قاضی منصوری نداشت و قرار بود با وکالت مع‌الواسطه، وکالت پرونده را در دست بگیرند که موفق نشدند و وکالت‌نامه ایشان ثبت نشد؛ به نظر می‌رسد بیشتر مصاحبه‌های ایشان بدون اطلاع از اصل موضوع بوده و اظهارنظرها غیرکارشناسی و هدفمند و صرفاً تبلیغاتی است.

او با اشاره به برگزاری دادگاه اخیر اکبر طبری بیان کرد: به‌تازگی به استناد اظهارات واهی یکی از متهمان همین پرونده که اتهامی را به او وارد کرد و صرفاً بر همین اساس کیفرخواست صادر شده که اگر فرصت دفاع فراهم می‌شد، قطعاً نتیجه‌ای غیر از آنچه در رسانه‌ها منتشر شد به دست می‌آمد. ایشان در تماس تلفنی با خانواده مداوم اعلام می‌کردند که امنیت جانی ندارند. در تماس تلفنی با این‌جانب اظهار کردند به دادستان تهران و شعبه رسیدگی‌کننده به پرونده (شعبه ۵ کیفری یک تهران) مراتب عدم امنیت جانی من را گزارش دهید که ملاقات دادستان ممکن نشد، اما مراتب را به رئیس محترم شعبه ۵ دادگاه اعلام کردم. قاضی منصوری طبق تعهدی که کرده بودند، ۲۱ خرداد به سفارت رومانی مراجعه کرده و درخواست برگشت به کشور را کردند و درحالی‌که دو روز منتظر هماهنگی برای بازگشت بودند، ۲۳ خرداد با ماشین سفارت و همراهی احدی از پرسنل برای کار درمانی خارج شدند که با کارشکنی و تصمیم ناعادلانه با اینکه در اختیار سفارت بودند، به پلیس رومانی تحویل داده شدند که در ابتدا بازداشت شده و سپس آزاد و تحت نظارت پلیس اینترپل رومانی به‌صورت موقت در هتلی اقامت داشتند. او تأکید کرد: به نظر ما قاضی منصوری ترور شده و باید موضوع ترور او را بررسی کنند. با وجود پیگیری مجدانه این‌جانب و مکاتبات مکرر با وزارت امور خارجه و مسئولان عالی قضائی، نتیجه مؤثری درباره شفافیت موضوع و روشنگری زوایای حادثه حاصل نشده است.

البته پیش از این نیز با توجه به اتفاقات روز حادثه، احتمال خودکشی با تردید مواجهه بود و اصرار پلیس بخارست بر خودکشی منصوری برای افکار عمومی به ایران قابل پذیرش نبود؛ ازاین‌رو احتمال قتل قوت گرفت، اما هم‌زمان با انتشار تصاویری از روز حادثه و تناسب‌نداشتن حجم کیسه حمل جنازه را قد و وزن قاضی منصوری، موضوع مرگ او نیز در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت و اکنون در میان این شایعات، خانواده منصوری احتمال ترور او را مطرح کرده‌اند.

مهرشاد ایمانی: حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی، به‌تازگی در گفت‌وگویی با سایت «جماران» گفته است نیازی نیست رئیس‌جمهور آینده لزوماً از اصلاح‌طلبان یا اصولگرایان باشد. او نیرویی را به‌عنوان رئیس‌جمهور شایسته بعدی معرفی کرده است که بتواند اعتماد رهبری را به همراه خود داشته باشد و از سوی دیگر دارای مدیریت قوی باشد؛ «ما در آینده نیازمند دولتی هستیم که از یک طرف به آرمان‌های نظام، انقلاب و ارزش‌هایی که رهبری مدافع آنها هستند پایبند بوده و از طرف دیگر این قدرت و جایگاه را داشته باشد که تیم کارشناسی کشور را بسیج کرده و مسائل بین‌المللی ایران را حل‌وفصل کند و همچنین بتواند به بهبود روابط میان دولت و ملت باری برساند. کسی که قادر باشد تک‌تک مشکلات را حل‌وفصل کرده و کشور را در راستای کاهش مشکلات مردم و اداره بهینه قرار دهد... لازم نیست که چنین فردی [رئیس‌جمهور] خارج از دو جریان مذکور باشد. می‌خواهم این را بگویم که الزامی به وابستگی او به این دو جریان نیست. الان مهم این است فردی که می‌خواهد رئیس‌جمهور آینده ایران شود، بتواند اعتماد رهبری را جلب کند؛ زیرا بدون این اعتماد بدون اینکه رهبری به او اختیارات لازم را دهد، نمی‌تواند مشکلات بین‌المللی ایران و مسائل مدیریتی کشور را حل‌وفصل کند و همچنین نمی‌تواند هماهنگی لازم میان قوا به وجود آورد. از طرف دیگر او باید بتواند مردم را به صحنه بیاورد. اینکه او بتواند مردم رنجیده از نابسامانی‌های سیاسی، فساد، مشکلات اقتصادی، مردم دلخور از عدم تعادل در بازارها و گرانی و تورم افسارگسیخته را بار دیگر به صحنه بیاورد، کار دشواری است.»

در مقابل چنین دیدگاهی عبدالله ناصری، از مشاوران سیدمحمد خاتمی، اخیراً در گفت‌وگو با خبرگزاری «فارس» گفته است: «اگر اصلاح‌طلبان تصمیم به‌حضور جدی در انتخابات بگیرند، بهتر است با نامزد اصلی و کاملاً شناخته‌شده خود مثل دکتر معین، صفایی‌فراهانی، رضا خاتمی و امثال اینها بایبند و اصولگرایان هم بهتر است با دو نامزد بایبند که یکی متعلق به جناح معتدل و دیگری متعلق به جناح پایداری و اقتدراگرایان باشد.»

ایین دو نظر گویا نظر دو طیف از اصلاح‌طلبان باشد؛ یکی که باور دارد تحت هر شرایطی باید در انتخابات شرکت کرد و حتی دیگر چندان با پرچم اصلاح‌طلبی وارد میدان نشد تا در وهله نخست از گزند درصاحبت‌ها در امان باشیم و در وهله دوم بتوانیم در انتخابات توفیقی هرچند نسی به دست بیاوریم و طیف دیگر که با اشاره به تجربه حمایت از یک نیروی کاملاً اصولگرا یعنی حسن روحانی (باتوجه به سابقه فعالیت سیاسی‌اش و عضویت چندین‌ساله‌اش در جامعه روحانیت مبارز) و ائتلاف اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس دهم با نیروهای غیراصلاح‌طلب می‌گوید که این‌بار از تاکتیک ائتلاف یا حتی حمایت از غیراصلاطلبان استفاده نمی‌کنیم و همان‌طور که ناصری گفته باید به سمت اعلام نامزدی شخصیت‌های مطرح اصلاحات مانند محمدرضا خاتمی، معین یا صفایی فراهانی برویم. این دیدگاه شاید از لحاظ عملی چندان نتیجه انتخاباتی خاصی در پی نداشته باشد؛ زیرا با مشاهده روند بررسی صلاحیت‌ها در انتخابات مجلس می‌شود حدس زد که احتمال تأیید صلاحیت چنین نیروهایی کم است. اما مطرح‌کنندگان چنین ایده‌ای هم چندان به برنده‌شدن در انتخابات فکر نمی‌کنند، بلکه خواسته خود را احیای

طبری: حاضر هستم خسارت‌ها را پس بدهم قاضی: کمی دیر شده است

شرق: ظهر دیروز هفتمین جلسه رسیدگی به اتهامات اکبر

طبری و سایر متهمان در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی بابایی برگزار شد. به گزارش ایسنا، قاضی در ابتدا ضمن اعلام آغاز هشتمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات اکبر طبری و سایر متهمان از وکیل متهم دانیال‌زاده خواست در جایگاه حاضر شود. بعد از صحبت وکلا، متهم دانیال‌زاده از قاضی فرصت خواست تا دقایقی صحبت کند. متهم دانیال‌زاده در جایگاه قرار گرفت و گفت: در جلسه قبل، با توجه به بدحال‌شدن خود نتوانستم مابقی دفاعایتم را بیان کنم؛ من ملکی را در فلورا به آقایی به نام مهرصادقی فروختم. مهرصادقی نزد من با یک مبالغه‌نامه آمد که بنده آن را امضا کردم و وجه خود را از او گرفتم و خداحافظی کردم. وی ادامه داد: اینکه مهرصادقی ملکی را به چه کسی فروخته است و اینکه در اصل صحبتی از طبری شده یا خیر، اصلاً چنین چیزی نبوده است. قسم می‌خورم تمام صحبت‌هایی که کردم، عین واقعیت بوده است. این متهم ادامه داد: من وارد یک گرفتاری شدم. این گرفتاری فقط آن بود که به یک مسئولی ساختمان فروختم که اصولی را نمی‌شناختم. این در حالی است که شخص دیگری این معامله را برای من انجام داد. من هیچ‌کدام از آنها را ندیدم؛ حتی پرسم را نیز کسی ندیده است. دانیال‌زاده دو نامه به نماینده دادستان داد و از او خواست در فرصتی این نامه‌ها را بخواند و سپس درباره مضمون این نامه‌ها گفت: در تاریخ ۱۲ اسفند ۹۴ بنده حدود ۱۰۸ میلیارد تومان پرداختی به بانک ملی داشتم. در تاریخ ۹۴/۱۲/۲۴ به مدیرعامل وقت مراجعه کردم که به من گفت مشکلاتی به وجود آمده و الان که نیازی به پول ندارم، چند روز فرصت بده. این متهم ادامه داد: من مدیرعامل بانک گفتم من پنج تا شش روز آخر سال به این پول نیاز دارم؛ چراکه می‌توانم مواد اولیه خود را بگیرم تا اگر سال بعد ۲۰ درصد گران شد، بتوانم مواد اولیه خود را داشته باشم که در نهایت قبول نکردند. متهم دانیال‌زاده ادامه داد: بنده را در تاریخ ۹۵/۱/۲۵ هنگامی که از منزل خارج شدم، دستگیر کردند که هیچ اشکالی ندارد اگر متهم بودم. من به آقای فریدون رشوه ندادم اما هرآنچه کشوری که در آن زندگی می‌کنم، برای من تصمیم بگیرد، روی چشمم است. وی درباره اظهارات خادمی کل‌میشه ادامه داد: خادمی را در سال ۹۵ از تشکیل‌اتم اخراج کردم. او کارهای شهرداری من را انجام می‌داد و هیچ‌وقت در شهرداری کاری را نداشتم که طبری بخواهد برای من زنگ بزند. این متهم افزود: در پایان سال ۹۰ ملکی را به طبری فروختم. درحالی‌که اصلاً وی را ندیدم. او در اردیبهشت ۹۱ به دفترخانه می‌رود و ملک را به نامش می‌کند که اینها نشان می‌دهد من کاری در شهرداری نداشتم که طبری بخواهد برای من زنگی بزند. طبری زنگ زده که بازداشت موقت دانیال‌زاده تأیید نشود. در ادامه این جلسه دادگاه نماینده دادستان گفت: آیا طبری، دانیال‌زاده را نمی‌شناخته است؟ در داسرای امنیت

سیاست

بررسی تفاوت دیدگاه عبدالله ناصری و حسین مرعشی درباره بایدها و نبایدهای اصلاح‌طلبان

دوراهی اصلاح‌طلبان؛ رضا خاتمی، معین و صفایی یا ائتلاف؟



هویت اصلاح‌طلبی و ترمیم سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان معرفی می‌کنند. عقبه چنین ایده‌ای شاید به گزاره بازگشت اصلاح‌طلبان به جامعه بازگردد؛ طرحی که با تشدید انتقادها به جریان اصلاحات بیش از پیش از سوی نیروهای اصلاح‌طلب پیگیری می‌شود. برای مثال تاجزاده چندی پیش گفته بود: «مسئله این است که با حضور در قدرت توانسته‌ایم به اهداف خود برسیم؟ از انقلاب مشروطه به این طرف همواره نیروهای تحول‌خواه کشور چشم به حضور در قدرت داشته‌اند، همین که امروز معتقدیم کشور در توسعه موفق نبوده است، نمی‌توان نگاه به قدرت را مشکل دانست؟... راه اصلاح جامعه، تقویت جامعه مدنی در برابر دولت است و حضور در قدرت بدون داشتن جامعه مدنی قوی اشتباه است». مشابه نظر تاجزاده در سخنان و نوشته‌های افرادی مانند حجازیان، علوی‌نبار و تاجیک هم به چشم می‌خورد؛ ایده‌ای که در مدت اخیر به‌شدت با مخالفت کارگزارانی‌ها روبه‌رو بوده است. اما حالا مرعشی در گفت‌وگوی اخیرش بیش از پیش خطومرها را معلوم کرده و به صراحت می‌گوید که نیازی نیست الزاماً نامزد انتخابات نشان جناحی داشته باشد؛ سخن مرعشی را شاید بتوان نوعی عبور از کشنگری جبهه‌ای دانست و حتی در ابعاد کلان نوعی عبور از جریان اصلاحات و بازگشت کامل به خاستگاه کارگزاران یعنی تکنوکراتیسم؛ «کسی که قادر باشد تک‌تک مشکلات را حل‌وفصل کرده و کشور را در راستای کاهش مشکلات مردم و اداره بهینه قرار دهد... لازم نیست که چنین فردی خارج از دو جریان مذکور باشد. می‌خواهم این را بگویم که الزامی به وابستگی او به این دو جریان نیست...»

او حتی برخی اصلاح‌طلبان را به رادیکال‌شدن نسبت داده است: «یک سری از نیروها رادیکال شده‌اند؛ از این جهت که معتقدند دیگر در مجموعه نظام فرصت نقش‌آفرینی و پیگیری اصلاحات وجود ندارد. اما بخش دیگری از نیروهای اصلاحات معتقدند که ما نباید از کوچک‌ترین روزه‌های که ممکن است برای پیگیری حرکت‌های اصلاحی وجود داشته باشد، صرف‌نظر کنیم. این بستگی به شرایط آینده دارد. باید ببینیم که کدام‌یک از این دو تحلیل درست است؟»

مخالف نظر سخنگوی کارگزاران، چندی پیش حجازیان در گفت‌وگویی گفت: «واقعیت این است که اصلاح‌طلبی چارچوب مشخصی دارد؛ اگر از آنها عدول کنیم دیگر اصلاح‌طلب نیستیم و من توصیه می‌کنم این قبیل دوستان، به پارادایم‌های گذشته‌شان بازگردند یا الاقل به احزاب پیوسته‌شان تا هزینه اصلاح‌طلبان تندرو بر آنها بار نشود؛ مثلاً شما به نمونه سازمان مجاهدین

انقلاب توجه کنید. طیفی از دوستان مانند آقایان قدیانی، آقاجری و با کمی اختلاف تاجزاده رویکرد انتقادی‌تری پیش گرفته‌اند و طیفی دیگر مانند آقای نبوی معتدل هستند و حتی به سمت حزب کارگزاران سازندگی گرایش پیدا کرده‌اند؛ خب، این اختلاف‌نظر از جنس انشعاب -که پیش‌تر در این حزب رخ داد- نیست، اما از نوعی مرزبندی حکایت دارد. حالا شاخص تندروی و کندروی چه کسی و کدام رویکرد است؟... مع‌الوصف، ضرورت دارد هرکس جایگاه خودش را مشخص کند. نمی‌شود از عنوان و سابقه اصلاح‌طلبی خرج کنید، در مناسبت‌ها و دیدارهای رسمی خود را نماینده طیف پیشروی این جریان معرفی کنید و نهایتاً مانند اصولگرایان موضع بگیرید».

سخنان حجازیان نشان می‌دهد اگرچه کارگزارانی‌ها اصلاح‌طلبان دیگر را به رادیکال‌شدن متهم می‌کنند، اما طیف مقابل هم آنها را همسو با اصولگرایان می‌داند که آرام‌آرام دیگر نمی‌توان ایشان را در زمره اصلاح‌طلبان قلمداد کرد. با آنکه اصلاح‌طلبانی که بر بازگشت به جامعه تأکید می‌کنند که حمایت نیروهای کارگزاران یا از جنس آنها از دولت روحانی و عدم مرکزگذاری با دولت باعث انتقاد جامعه به جریان اصلاحات و در نتیجه ریزش سرمایه اجتماعی این جریان سیاسی شد و در مقابل کارگزاران هم وضعیت موجود را ناشی از اشتباهات کسانی می‌داند که به گفته مرعشی «خود را جریان اصیل‌تری نسبت به سایر اصلاح‌طلبان می‌دانند». مرعشی حتی با شبیه‌سازی اصلاح‌طلبان با محمود احمدی‌نژاد گفته است که نیروهای اصلاح‌طلب همیشه دنبال کسب قدرت بیشتر بوده‌اند؛ «مشکل ما عمومی است و جناح و شخص نمی‌شناسد. متأسفانه افراد و جریانات از قدرت سیر نمی‌شوند. ببینید، آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران بود ولی به این جایگاه قانع نبود و می‌خواست نفر اول کشور باشد؛ در نتیجه آن همه دردسر برای خود و کشور درست کرد. ما اصلاح‌طلبان هم زمانی علاوه بر دولت، مجلس را نیز داشتیم. آیا به داشتن این دو قوه قانع بودیم؟ خیر. ما هم دلمان می‌خواست قدرت بیشتری پیدا کنیم. باید به هر مقدار از قدرت که در دسترس قرار می‌گیرد، قانع بود و از آن برای پیشبرد منافع کشور و حل‌وفصل مسائل استفاده کرد».

این سخن مرعشی در حالی است که دیگر اصلاح‌طلبان نیروهای کارگزاران را به اصرار برای کسب قدرت سیاسی متهم می‌کنند. برای مثال چندی پیش مرعشی در گفت‌وگوی دیگری گفته بود: «سرمایه اجتماعی و حضور در قدرت هیچ منافاتی با یکدیگر ندارند و نمی‌توان اصلاح‌طلبان را در دوراهی انتخاب یکی از اینها قرار داد؛ چون اصلاح‌طلبان قدرت را برای خودشان نمی‌خواهند، بلکه قدرت را برای اصلاح امور کشور و حل مشکلات مردم می‌خواهند. البته قدرت مثل همه خوبی‌های دیگر دنیا می‌تواند شر هم باشد. خیروشربودن قدرت به این بستگی دارد که ما به چه هدفی دنبال کسب قدرت باشیم». با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد جبهه اصلاحات در مقطع کنونی، هم در تئوری و هم در عمل درگیر مناقشات بسیاری است و نیروهای این جبهه هنوز نمی‌دانند که از یک سو برای ادامه حیات سیاسی باید چه سازوکاری را در پیش بگیرند و از سوی دیگر مشخصاً در انتخابات سال ۱۴۰۰ با چه رویکردی شرکت کنند. به هر حال بی‌گمان اگر اصلاح‌طلبان به منوال فعلی -که در روند انتخابات مجلس هم در پیش گرفته شد- ادامه دهند، احتمال توفیق‌شان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده بسیار اندک به نظر می‌رسد.

۸۸۹۴۸۲۷۳

الو شرق

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۰۰۰۴۶۹۹

- نمی‌دانم چرا وقتی خودمان به خودمان رحم نمی‌کنیم، از بقیه انتظار کمک و همراهی داریم. در این مدت که اوضاع و احوال کرونا بهتر شده بود، راحت‌تر می‌شد مباد ضدعفونی‌کننده و ماسک تهیه کرد، آن هم به قیمت مناسب‌تر؛ اما در این چند وقت اخیر که دوباره شرایطمان وخیم شده، هم قیمت ماسک و هم مواد ضدعفونی‌کننده را افزایش دادند. چه کسی پاسخ‌گوی تخلف داروخانه‌هاست؟ تکلیف آن همه ماسکی که تولید کردند، چه شد؟

بازتاب

- پاسخ روابط عمومی سازمان ثبت‌احوال کشور:**

احتراماً با عنایت به درج پیامی از سوی یکی از هم‌وطنان در بخش پیام‌های مردمی درخصوص «عدم صدور کارت هوشمند ملی» در روزنامه «شرق» ۹۹/۴/۰۸ خواهشمند است دستور فرمایید مطلب زیر به‌عنوان پاسخ سازمان ثبت‌احوال کشور در آن جریده محترم منعکس گردد. از بذل توجه جنابعالی سپاس به عمل می‌آید.

متقاضی کرامی

باعرض سلام و احترام

ضمن عرض پوزش از تأخیر به‌عمل‌آمده در صدور کارت شما، به اطلاع می‌رساند با توجه به اتمام مهلت قانونی استفاده از کارت‌های شناسایی ملی (نمونه قدیم) در پایان سال ۱۳۹۷ و عدم تمدید آن به منظور حفظ امنیت بیشتر و به‌روزرسانی اطلاعات شهروندان و اجتناب از مشکلات ناشی از ثبت‌نام و دریافت کارت باقی‌مانده متقاضیان در فرصت محدود، سازمان ثبت‌احوال به‌عنوان متولی احراز هویت آحاد ایرانی اقدام به ابطال کارت‌های پیشین نموده، اما در عین حال برای رفاه حال شهروندان در هماهنگی با دستگاه‌های اجرایی، امکان اخذ خدمات را مبتنی بر کدهای رهگیری مندرج بر رسیدهای ثبت‌نام تکمیلی هوشمند ملی، تا زمان صدور کارت فراهم آورد. علاوه بر آن علی‌رغم فشارهای ناشی از تبعات آن، بر کسی پوشیده نیست سازمان ثبت‌احوال با تمام توان و با استمداد از تمامی ظرفیت‌های قانونی داخل کشور نسبت به تأمین کارت‌های مورد نیاز همت گمارد که خوشبختانه به نتایج شایان توجهی نیز دست یافته که امید است به‌زودی شاهد رفع موانع موجود در راه تولید انبوه کارت باشیم.



مرکز خرید مدرن الهیه، طبقه رویال (پنجم)، واحد ۴۴

تلفن دفتر مرکزی: ۰۲۷ ۱۸۰ ۲۲۰
www.aryazaman.com



FREDERIQUE CONSTANT
GENEVE